

اسرائیل خنجر استکبار جهانی در قلب جهان اسلام

حجة الاسلام سید علی اکبر محتشمی

اگوست) در شهر عکا که هم پیوستند، دو سال این شهر را محاصره نموده (۱۱۹۱-۱۱۸۹) تا بدست آنها افتاد و با سقوط عکا قرارداد صلحی بین صلیبون و صلاح الدین منعقد شد تا بیت المقدس در دست مسلمانان باقی مانده و انجام زیارات برای مسیحیان آزاد بود و ضمناً ساحل دریای مدیترانه از عکا تا یافا در اشغال صلیبون و بقیه ساحل که مرز جنوبی آن عسقلان بود در تصرف صلاح الدین بماند.

در سال ۱۱۹۳ با مرگ صلاح الدین و تقسیم سرزمین بین جانشینان او و پائیان از این تفرقه استفاده کرده و چند شهر فلسطین را اشغال نمودند و پس از مذاکراتی مقرر شد که بیت المقدس در تصرف عسویان باشد ولی اماکن مقدسه تحت نظر مسلمانان باقی بماند ولی سرانجام «صالح ابوب» پادشاه مصر با استفاده از کمک حواریان مسلمانانی که از برابر لشکران جنگجوی مغول متواری شده و به آن حدود رفته بودند بار دیگر با صلیبون وارد جنگ شده و مقدس و غزه و دمشق را آزاد کرد.

فلسطین از سال ۱۵۱۶ تا ۱۹۱۷ یعنی حدود چهارصد سال در دست مسلمانان و توسط حکومت عثمانی اداره می شد. شهر قدس یا تخت فلسطین برای مسلمانان و مسیحیان و یهودیان مقدس و مبارک است زیرا آثار ادیان اسلامی و مسیحی و یهودی در این شهر وجود داشته و این سرزمین برای اسلام، چه قبل از فتح آن بدست مسلمانان و در زمان رسول اکرم (ص) و چه بعد از آنکه این سرزمین مجدداً بدست مسلمانان فتح شد. از اهمیت خاصی برخوردار است و اصولاً فلسطین بعنوان يك منطقه استراتژیک برای مسلمانان و اسلام قلمداد میشود زیرا: اولاً- بیت المقدس اولین قبله گاه مسلمین است و ثانیاً- خداوند ما معراج پیامبر اکرم (ص) و با اسراء و سیر دادن رسول اکرم (ص) از مسجد الحرام به مسجد اقصی و از آنجا به معراج رفتن رسول اکرم، ارتباط تنگاتنگ این دو قبله گاه و دو سرزمین وحی و نبوت را مشخص فرموده و اهمیت فلسطین بخوبی از آنجا اول سوره اسراء روشن می شود.

نبرد بین کنعانیون و عبرانیون بر سر فلسطین

از دوران قدیم یعنی حدود ۲۵۰۰ سال قبل از میلاد (۳۱۲۰ سال قبل از هجرت) چند قبیله عربی در منطقه فلسطین زندگی می کرده اند که بنام کنعانیون شناخته می شدند ولی بعزت جنگهای داخلی بین مصر و سوریه و اختلافات بین قبایل کنعانیون، سرانجام این قبیله متفرض و «عبرانیون» در این منطقه مسلط شدند.

حدود ۱۸۰۰ سال قبل از میلاد حضرت ابراهیم (ع) از شهر «اور» عراق به ارض کنعان (فلسطین) مهاجرت نمود و در آنجا «اسحق» متولد شد و از او «یعقوب» بدنا آمد و بنام «اسرائیل» نامیده شد و چون یهود انتساب خود را به حضرت یعقوب می دهند بنی اسرائیل نامیده شده اند جنبدی بعد، یوسف پسر یعقوب را برادرانش در مصر بعنوان غلامی فروختند ولی او در آنجا مهربانی پیدا کرد و قدرتی بدست آورد سپس یعقوب به مصر مهاجرت نموده و بتدریج زیاد شدند ولی در اثر فشارها سنس دوم (فرعون معروف) به بنی اسرائیل، حضرت موسی (ع) بهودیان را از مصر به طرف ارض کنعان حرکت داد (۱۲۹۰ قبل از میلاد) ولی بعزت نازاری سرزمین فلسطین، بنی اسرائیل از ادامه مهاجرت منصرف و مدت چهل سال در بیابانها سرگردان بودند و پس از فوت حضرت

بسم الله الرحمن الرحيم

«سبحان الذي أسرى بعبده ليلاً من المسجد الحرام إلى المسجد الأقصى الذي باركنا حوله...»

(توبه اول سوره اسراء)

تاریخچه:
فلسطین با مساحت بست و هفت هزار و سیست و چهار کیلومتر مربع در خاور نزدیک با همسایگانی چون لیبان و سوریه در شمال، اردن در شرق، دریای مدیترانه در غرب و مصر در جنوب سر برده و رود اردن نیز از آن می گذرد و به دریای میت می ریزد و مجموعاً این منطقه سرزمین حاصلخیزی را تشکیل می دهد.

در سال ۶۳۸ میلادی پس از حدود شش سال از وفات رسول اکرم (ص) و در زمان خلافت عمر تقریباً- اوائل سال ۱۷ هجری- بدست ارتش اسلام فتح شد و در سال هزار و نود و نه میلادی یعنی یا گذشت ۴۶۱ سال، در جنگهای صلیبی بدست صلیبی ها سقوط کرد.

نود سال فلسطین در دست صلیبی ها بود و آنها بر این سرزمین حکومت میکردند. در سال ۱۱۸۷ ارتش مسلمین به فرماندهی «صلاح الدین ابوبی» توانست بار دیگر فلسطین را به دامن اسلام باز گرداند. خلاصه این اشغال و آزادی بدین شرح است:

در نوامبر سال ۱۹۰۵ «باب اروپا» در شهر کرمون سخراتی آنتشی ابراز کرد و مسیحیان را تحریک به گرفتن بیت المقدس نمود و منظور بیرون آوردن آنجا از دست مسلمین نمود و تبلیغات شدید مذهبی و عوامل مختلف دیگر از قبیل امید به فتح و کشورگشایی و کسب ثروت سرشار موجب شد که عده زیادی از مردم اروپا، دعوت پیشوایان خود را اجابت نموده بطوری که در سال ۱۹۰۷-۱۹۰۸ (هجری) قریب ۱۵۰۰۰۰ نفر عازم فلسطین شده و پس از عبور از قسطنطنیه، شهرهای مسیر راه خود را تصرف کردند و دو سال بعد به فلسطین رسیدند و با محاصره و شکست قوای مصر، بیت المقدس را اشغال و هزاران نفر از ساکنان شهر را به قتل رساندند و حکومتی به ریاست «گودو فرود» بوجود آوردند (۱۹۰۹م). او در مدت یکسال حکومت خود قسمتهای دیگر فلسطین را اشغال نمود و پس از مرگش برادر او «بودوین» به فرمانروائی رسیده و مسجد اقصی را مقر حکومت نمود و عکا، بیروت و صیدا را منصرف شد و چون فلسطین از طرف اعراب مسلمان مصر، حلب و شام محاصره شده بود، دائماً با حکمرانان مسلمان عرب در جنگ بود و سرانجام در جنگ بزرگی که با امیر حلب و موصل (اتابک زنگی) نمود، لشکریان صلیبی سختی شکست خوردند (۱۱۱۴م) و پس از اتابک پسرش محمود با صلیبی ها وارد جنگ شده و شهرهائی را پس گرفته و دمشق را نیز آزاد کرد و خلیفه فاطمی (العاصد بالله) نیز با کمک محمود مانع توسعه طلی صلیبی ها گردید.

در سال ۱۱۶۹ جنگ دیگری بین صلیبون و لشکریان صلاح الدین ابوبی برادر زاده اسدالدین شبرکوه از سرداران محمود زنگی در گرفت و آنان شکست خورده و بندر عقبه را تخلیه کردند و این سلسله زد و خورد ها تا سال ۱۱۸۷ م (۵۶۶ هجری) که منجر به محاصره بیت المقدس و تسلیم این شهر شد ادامه یافت، اما از دست رفتن قدس ارو پائیان را نگران ساخته و زمینه را برای شروع سومین دوره جنگهای صلیبی آماده نمود و لشکر سه پادشاه انگلیس (ریچارد)، آلمان (فردرینک باربروس) و فرانسه (فیلیپ



دیدگاه‌های گوناگون نسبت به فلسطین:

اما دیدگاه اسلام نسبت به فلسطین، همانطوریکه از مقدمه مقداری روشن میشود خداوند در سوره اسراء می فرماید: «سبحان الذي أسرى...» یعنی ارتباط مستقیم بین مسجد الحرام و مسجد الاقصی است و اینکه این دوازده نظر اسلام جایگاه واحدی را دارند و این دوسوزمین برای اسلام از اهمیت استراتژیک برخوردار است؛ همانگونه که اسلام برای مسجد الحرام احترام قائل است و اهمیت می دهد برای مسجد اقصی هم همان اهمیت را قائل است و اینجا پایگاه جهان اسلام است همانگونه که مسجد الحرام پایگاه جهان اسلام است و همانگونه که مسجد الحرام منزه و پاک باید باقی بماند و مرکز قیام و جهش کلیه مسلمین و آزادیخواهان مسلمان است، فلسطین و قدس شریف نیز از همین ویژگی برخوردار است. همانگونه که مکه و مسجد الحرام باید از لوث وجود کفار و مشرکین و منافقین پاک و منزه باشد، بر مسلمانان است که این مرکز را - که مرکز الوهیت و مهبط وحی میباشد - با همان خصوصیات و ویژگی‌هایی که خداوند تعالی و اسلام و پیامبر اکرم (ص) خواسته، حفظ و نگهداری کنند و لذا این دیدگاه اسلام است بطور مختصر راجع به فلسطین و قدس شریف.

اما جهان استکباری شرق و غرب، دیدگاهشان نسبت به فلسطین این است که فلسطین تنها جای پای مناسب و بدون خطری است برای نسلط بر جهان اسلام و توجیه اینکه غرب و شرق و استعمارگران بزرگترین ضربات را در جهان سوم توسط مسلمین خورده‌اند؛ علیرغم اینکه حکام مسلمین حکام ناصالحی بودند ولی در اثر آن ویژگی‌هایی که در مسلمانان و در مکتب اسلام وجود دارد هرگاه که مسلمانان بر میگردند به اصول و معیارها و ارزشهای اسلامی و پای بند می شوند، نسبت به آن آرمانهای بلند اسلامی خطری جدی و ناپذیرنده را برای استعمارگران و کفار و مشرکین و دشمنان اسلام ایجاد می کنند. لذا این کشورهای استعماری و استکباری پیوسته در فکر این بوده و هستند که راهی را برای ضربه زدن و ایجاد شکاف و تشتت و افتراق و فتنه و در نهایت نابودی اسلام و مسلمین داشته باشند و تنها جایی که نولک تیزبینان حمله شان را متوجه آن می بینند، فلسطین است که در قلب جهان اسلام جای گرفته و بصورت مرکز و محور و چهارراه جهان اسلام فلذاد میشود و لذا چنین جای پائی برای دشمن به عنوان منطقه استراتژیک وجود دارد و بهترین قومی که میتواند نقش استعمارگران را در نابودی جهان اسلام و اسلام بازی بکند، صهیونیست ها هستند که کینه دیرینه نسبت به اسلام از آغاز شروع اسلام تا کنون دارند. براین اساس سیاست شرق و غرب، نسلط صهیونیست ها بر فلسطین به عنوان عامل نطق اهداف استعماری آنها در جهان اسلام اعم از کشورهای عربی و غیر عربی میباشد.

و اما نظر سران کشورهای جهان عرب نسبت به فلسطین: سران کشورهای عربی فلسطین را برای خودشان بعنوان یک منطقه و یا یک سرزمین دردسرخیز احساس می کنند که باید به هر نحو که شده است از سرزمین، خود را خلاص کنند. اولاً - بانه های حکومت خودشان را لرزان می بینند و این نیازمند به حمایت ابرقدرتها و بخصوص غرب و آمریکا است. براین اساس لازم می بینند که حتماً رضایت استعمارگران را جلب کنند و براین اساس یکی از راههای جلب رضایت اربابان خودشان این است که در رابطه با مسئله فلسطین کوتاه بمانند و آنچه را که سیاست آمریکا است در رابطه با فلسطین اجرا کند و مجری خواسته های غرب باشند. ثانیاً - وجود فلسطین و سازمانهای مسلح فلسطینی باعث میشود که بصورت روزانه، بودجه و هزینه های مبارزاتی آنها را پرداخت کنند و این بار اقتصادی را هم به دوش بکشند؛ پس برای رها شدن از بار سیاسی و بار اقتصادی فلسطین، سعی شان براین است که مسئله فلسطین بهر صورت طبق نظر غرب و آمریکا و شرق و شوروی حل و فصل بشود تا دیگر مشکلی نسبت به مسئله فلسطین برای آنها وجود نداشته باشد. و اما سیاست سران کشورهای اسلامی غیر عرب نسبت به فلسطین را باید اولاً - بگوئیم: کشورهای که وابسته به غرب و یا شرق هستند طبیعی است که از سیاستهای

موسی، بنی اسرائیل به رهبری یوشع از نهر اردن گذشتند و وارد فلسطین شده و سالیان دراز با طوایف کنعانی و شعب آن در جنگ بودند و حدود ۱۰۰۰ سال قبل از میلاد حضرت داود رهبری بنی اسرائیل را به عهده گرفته و چهل سال سلطنت نموده و اورشلیم (قدس) را تصرف کرد. این شهر دو حدود ۳۶۰۰ سال قبل از میلاد بوسیله یوسون که شاخه ای از اعراب کنعانی بودند ساخته شد و بنام «اورسالم» نامیده شده بود و پس از وفات حضرت داود، حضرت سلیمان سلطان عبرانیون شد (۹۳۵ قبل از میلاد) وی ناویگانی ایجاد نمود و در کنار مدیترانه بندر بزرگی ساخت و تجارت کنوش را رونق بخشید. اما در دوران زمامداری «رجعام» فرزند سلیمان میان عبرانیون اختلاف در گرفت و کنوش داود به دو قسمت بنام «اسرائیل» و «یهودا» تقسیم شد و این دو مدتها باهم جنگیدند و آشوریهها هر دو را مغلوب نموده و جزیه دریافت کردند. و سرانجام «سرجون دوم» مملکت اسرائیل را بر انداخت (۹۲۱ قبل از میلاد) ولی کنوش یهودا سالیانی چند وجود داشت.

و در سال ۵۹۷ قبل از میلاد «بخت النصر» کلدانی به فلسطین حمله کرد و اورشلیم (قدس) را متصرف و حاکم یهودا را با عده کثیری دستگیر و به بابل فرستاد و در سال ۵۸۶ قبل از میلاد بعلت نمرود فرماندار اورشلیم مجدداً به فلسطین حمله نموده و شهر قدس و هیکل سلیمان را ویران نمودند و از آن پس فلسطین در زمره یکی از ایالات یاسبل بشمار می رفت و پس از آنکه بابل مغلوب ارتش پارس شد بنی اسرائیل در برابر کنوش ابراز انقیاد و حاضر به پرداخت جزیه شدند، و در این زمان تجدید بنای هیکل سلیمان صورت پذیرفت و پس از شکست ارتش ایران توسط اسکندر مقدونی پادشاه یونان، او سوریه را متصرف و عازم فلسطین شد و از این پس فلسطین تابع یونان شد و بدنبال مرگ اسکندر و تقسیم کنوش بین جانشینانش مصریان به فلسطین آمدند و آنجا را متصرف شدند (۳۱۲ قبل از میلاد) و در خلاصیات بین مصر و یونان زمانی تحت سلطه مصر و زمانی تحت سلطه یونان بودند تا آنکه «پومپئی» سردار روم پس از تسخیر سوریه به بیت المقدس حمله و آنرا تصرف و یهودیان را وادار به پرداخت جزیه نمود ولی در دوران «نرون» قیصر روم یهودیان شورش نموده و لذا در سال ۷۰ قبل از میلاد مجدداً ارتش روم اورشلیم را تصرف نمود و در این دوران یهودیان مورد آزار و اذیت قرار گرفته و از فلسطین خارج شدند و در مصر، عراق، سوریه، یمن و ازو پا متفرق گردیده و از آن پس موجودیت سیاسی آنان خاتمه یافت.

تاریخچه استعمار

نقطه تاریک و وحشتناک راجع به فلسطین از سال ۱۹۱۷ آغاز میشود یعنی از هنگام انعقاد نطقه نطقه های استعمارگرانه غرب و شرق. جنگ جهانی اول و سقوط حکومت عثمانی و اعلام «وعد بآلقرن» که وزیر خارجه وقت انگلستان بود دو آن «وعد» و وزیر خارجه انگلستان قول برقراری حکومت صهیونیستی را به یهودیان صهیونیست دنیا داد و در این راستا سبل مهاجرت یهودیان به طرف فلسطین آغاز گردید و با توجه به اینکه فلسطین ابعاد گوناگونی دارد و مسائل مختلفی از نظر سیاسی اجتماعی فرهنگی و سرزمینی راجع به فلسطین مطرح است.

ما ابتدا یک ارزیابی و یا بررسی از نظرات مختلفی که نسبت به فلسطین و مردم فلسطین و نوع حکومتی که باید در فلسطین باشد را انجام می دهیم و مطرح می کنیم و بدنبال آن راجع به موضوع قیام و حرکت کنوشی که مستمراً بیش از یکسال در فلسطین آغاز شده را مورد بررسی و ارزیابی قرار میدهیم. در اینجا ما نظر اسلام را راجع به فلسطین و قدس شریف داریم. نظریه جهان استکبار غرب را داریم، نظریه جهان عرب و سران کشورهای عربی را داریم، همچنین فکر و اندیشه سران کشورهای اسلامی که غیر عرب هستند را داریم و نهایتاً نظریه جمهوری اسلامی ایران را در مورد فلسطین خواهیم داشت.

شرق و غرب پیروی می کنند و یک گروهی از کشورهای اسلامی هم در یک بر تقاضای
فرق العاده ای بسر می برند و برای آنها هیچ فرقی نمی کند که فلسطین در دست
صهیونیت باشد یا اینکه دست مردم فلسطین، مستقل باشد یا وابسته؛ این کشور بهر
صورتی اداره بشود برای آنها تفاوتی نمی کند، شناسایی اسرائیل برای آنها یک امر عادی
و معمولی است، و بر این اساس، استکبار جهانی هیچ وحشی در رابطه با فلسطین از سوی
کشورهای اسلامی ندارد.

اما سیاست اعلام شده جمهوری اسلامی، مسئولیت در بار گرداندن فلسطین
به دامن اسلام و مسلمین است، بدین معنی که جمهوری اسلامی ایران از حیث
رهبری انقلاب، معتقد است که اسرائیل به عنوان یک غده سرطانی در قلب جهان
اسلام قرار دارد و اسرائیل پایه تاپود بشود و ریشه های اسرائیل از فلسطین قطع و
کننده شود و از پسین برود و این کشور بصورت یک کشور اسلامی بدست مردم
مسلمان فلسطین اداره شود و در این رابطه اعلام موضع در مقاطع مختلف تاریخ
انقلاب اسلامی از سوی امام بزرگوار - روحی له القداء - صورت گرفته چه قبل از
پیروزی و چه بعد از پیروزی انقلاب و حتی اولین کشوری که بعد از به رسمیت
شناختن اسرائیل از سوی مصر رابطه اش را با مصر قطع کرد، جمهوری اسلامی
ایران بوده. آنهم بدستور شخص حضرت امام و لذا طبیعی است که موضع جمهوری
اسلامی علیه اسرائیل بسیار روشن و مشخص بیان شد.

و کلاً مطالب عنوان شده فوق فهرستی از سیاست ها و مواضع کشورهای مختلف
جهان نسبت به فلسطین و سرزمین فلسطین و حکومتی که باید در فلسطین تشکیل شود و
وضعیت موجود فلسطین بود.

تاریخچه مبارزات مردم فلسطین:

در اینجا فهرست وار تاریخچه ای از وضعیت مبارزاتی مردم فلسطین در سالهای
گذشته و بخصوص قبل از پیروزی انقلاب اسلامی تا حال حاضر مطرح و یاد آور میشد
که در گذشته مبارزات و اصولاً حرکتها در فلسطین اشغالی بصورت شهری بوده و در
شهرها و در میان دانشگاهها و دانشجوین مبارزه شکل می گرفته و مسلمانان و مسیحیان،
طرفداران «ساف» و روشنفکران در این مبارزات نقش داشتند و چون حالت اسلامی در
این حرکتها وجود نداشته، مطوعات جهان عرب و غرب به تبلیغات گسترده ای در باره
این مبارزات دست می زدند و بیشتر سعی میکردند که چهره مبارزات را یک جبهه ملی
و حتی جبهی در اذهان قلمداد کنند که در صدر این حرکتها و بعنوان رهبری این حرکتها
می تواند «عرفات و جرج حبشی و یوسف حواتمه و احمد جبریل» و دیگران را نام
بریم.

اما حرکت اخیر آنگونه نیست که در گذشته بوده بلکه از داخل مساجد و محافل
اسلامی سرچشمه می گرفته و در داخل اردوگاههای فلسطینی و در داخل سرزمینهای
اشغالی، این مبارزات به عنوان یک حرکت مردمی و حرکتی که از سوی مستضعفین و
پایرته ها است آغاز و به رهبری علماء و روحانیون هدایت می گردد.

در گذشته وقتی اسرائیل افراد مبارز را که دستگیر شده بودند آزاد میکرد، چون آن
انگیزه های اسلامی در آنها وجود نداشته، بلافاصله پس از آزادی قرار را بر فرار ترجیح
می دادند و از داخل اسرائیل به خارج سفر می کردند و به عنوان یک فهرهوان در
کشورهای عربی و در میان فلسطینیان مطرح می شدند و به لای و نوای خوبی هم
میرسیدند!! اینها خیلی بندرت در داخل فلسطین باقی می ماندند و آنها هم که باقی
می ماندند کسانی بودند که قدرت خارج شدن را نداشتند یا از اهمیتی برخوردار نبودند
ولی اکنون که حرکت یک حرکت اسلامی است و نه حرکت برای زندگی در رفاه و
آسایش و لذا می بینیم که مبارزین جهاد اسلامی وقتی از زندانها آزاد می شوند و با اینکه
توقنی می شوند از زندان علی رغم تمام آن تنبیهاتی که اسرائیل اندیشیده فراز کنند باز
بعد از چند روز مبارزات و عملیات مسلحانه شان را تا سرحد شهادت آغاز می کنند. و

تولده اش خربانات اخیر فلسطین است که میبایست مفصلاً توضیح داده بشود.

جگونگی دور جدید مبارزات مردم فلسطین:

اولین عملیاتی را که گروههای اسلامی انجام دادند و عملیات رسمی میباشد
عملیات «حائط المکا» نام گذاری شده که جهاد اسلامی در اواخر سال (۱۹۸۶) با
حمه ای به نیروهای صهیونیستی در کنار دیوار نده و دیوار گریه یهودیان انجام داده بود
که در این حادثه بیش از هشتاد نفر از سران صهیونیست کشته و زخمی شدند. و در این
جریان سه نفر بنامهای «احمد حسن مهنا»، «جمال صالح ابوریه» و «مصباح
حسن السوری» دستگیر شدند و اینها در دادگاههای اسرائیل فریاد زدند: «زنده باد
مقاومت اسلامی، زنده باد حبشی» و آقایان جمال صالح و مصباح حسن السوری، این
دو نفر کسانی هستند که حافظ قرآن هم میباشند.

حال باید ببینیم که این جهاد اسلامی چگونه بوجود آمده و شکل یافته است؟
جهاد اسلامی یک تشکیلات و گروهی است اشغالی از گروه «اخوان المسلمین»
که در داخل سرزمینهای اسلامی بنام «جماعت اسلامی» فعالیت می کنند و بیشترین
فعالیتها جماعت اسلامی و اخوان المسلمین جنبه تبلیغاتی و تبلیغات اسلامی دارد.
اینها هنگامیکه در زندان بودند، رهبران جهاد اسلامی شدت تحت تأثیر امام خمینی و
انقلاب اسلامی ایران قرار گرفته بودند و لذا این نوع حرکتها را کافی نمی دانستند و
منطقه بودند حرکت باید همانند حرکت انقلاب اسلامی باشد و اختلاف نظر با رهبران
دیگر اخوان المسلمین پیدا کردند و در داخل زندان منتصب شدند که رهبری گروه
اشغالی را آقای «لاکتر حبشی» و آقای «احمد حسن مهنا» به عهده داشتند و
بعد از این دو نفر، شخصیت های دیگری هم با جهاد اسلامی همکاری کردند و به آن
پیوستند که رهبری روحانی و معنوی جهاد اسلامی را «شیخ عبدالعزیز عوده» امام
جمعه شهر غزه عهده دارد. و از سوی دیگر در داخل سرزمینهای اشغالی گرایشهای
اسلامی بیشتر در مناطقی از یافا که باینخت رژیم اشغالگر قدم در تل آویواست
میشاند. زیرا تل آویویک بخش از سرزمین یافا میباشد که در این منطقه این شهر را
ساخته اند و همچنین «جین وحیفا» و «ناصره» بوزه در روستاهای «اکتر و طبه و
کفراسم و مرمره» و برخی دیگر از روستاهای این منطقه چشمگیر است.

این گرایشهای اسلامی و حرکت اسلامی رفته رفته به نقاط دیگر سرایت کرده از
جمله «حبل قرنه، الجلیل و جلیل اعلا» استمرار و ادامه پیدا کرده است. البته عدم
وجود یک رهبری مشخص باعث شده است که شخصیت های اسلامی، بخصوص
 جوانان مسلمان، در شیوه عمل یک سری اشتباهاتی را داشته باشند که رژیم صهیونیستی
از این نقاط ضعف استفاده کرده و هر بانی را به این حرکتهای اسلامی وارد آورده
است، گرچه از طرف رژیم های مصر و اردن هم حرکتها بصورت گرفته که به قیام
اسلامی «و انتفاضه» ضرباتی وارد کرده است ولی بهرحال نفس تشکیل جهاد اسلامی
برای رژیم صهیونیستی بسیار شکننده بوده و وحشت و رعب فراوانی را داشته و
نخست وزیر اسرائیل اسحاق شامیر در یک صحبتش گفته است که: «گروه جهاد
اسلامی خطرناکترین شبکه ای بوده که در فلسطین کار می کرده و بوجود آمده
است.»

ناگفته نماند که این شبکه در بعد سیاسی نظامی کار می کند و جهاد اسلامی هیچ
فردی را قبول نمی کند مگر اینکه معتقد به مبارزه مسلحانه برای ریشه کن نمودن اسرائیل
باشد و باید این اعتقاد را در عمل ثابت کند.
گرایشهای اسلامی در فلسطین دو شکل است: یک شکل صوفی گری اسلامی است

ویک شکل هم شکل عملی و مبارزاتی که در مناطق مختلف این گرایشات فرق می کند. مساجد و مراکز مذهبی در کرانه غربی رود اردن با مناطق دیگر فلسطین فرق می کند زیرا این مساجد در کرانه غربی رود اردن زیر نظر اوقاف اردن در طول سالیان دراز کار می کرده و طبیعی است مساجدی که مدیریتش با اوقاف اردن باشد، در خدمت شاه حسین و خانواده سلطنتی است و چون آنها دین را از سیاست جدا می داند لذا جوانان در این منطقه فاقد یک رشد سیاسی اسلامی هستند برخلاف سایر مناطق که جوانان خیلی علاقه مند به مساجد و مبارزات اسلامی هستند. و در کرانه غربی بیشتر جوانان از مساجد گریزان هستند البته در اردن و کرانه غربی رود اردن «حزب التحریر الاسلامی» و «احوان المسلمین» فعالیت دارند و رژیم اردن فعالیت حزب التحریر را در اردن و کرانه غربی ممنوع کرده ولی احوان المسلمین آزادند! احوان المسلمین در این مناطق پایگاه چندانی ندارند زیرا ملک حسین در زمان محبوبیت «ناصر» در اثر اینکه تضاد با جمال عبدالناصر داشت به اخوانی ها اجازه فعالیت داد و این حرکت ملک حسین باعث شد که احوان المسلمین در داخل جوامع و محافل مبارزه مغفول واقع شود. بعد از سال ۱۹۶۷ و شکست جمال عبدالناصر و اشغال کرانه غربی رود اردن و غزه و بیت المقدس توسط اسرائیل، مردم در داخل سرزمینهای فلسطین نسبت به تفکرات قومی گرایی ناصر بدین شدند و تا حدودی بطرف اسلام روی آوردند. از سال ۱۹۷۳ تا پیروزی انقلاب اسلامی در فوریه ۱۹۷۹ میلادی در اثر فقدان یک رهبری انقلابی مذهبی در داخل سرزمینهای فلسطین، مسلمانان فلسطینی بصورت حیران و سرگردان بودند و احياناً مرتکب اشتباهاتی هم می شدند و باعث می شد که مردم نسبت به آرمانهای اسلامی کم کم امیدشان را از دست بدهند. و از طرفی دیگر حزب التحریر و احوان المسلمین با یکدیگر اختلافات شدیدی داشتند که باعث شد آن حالت اسلامی در میان مردم کرانه غربی بشدت تضعیف شود ولی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی گرایش تسل جوان به اسلام و تفکرات انقلابی اسلامی افزایش پیدا کرد بخصوص بعد از حمله نیروهای اسرائیل به لبنان در ژوئن ۱۹۸۲ (خرداد ۱۳۶۱) با شکست «ساف» در این رویارویی و عدم تحقق آرمانهای ملت فلسطین و در کنار این شکست، اوج گیری

مقاومت اسلامی و حزب الله لبنان باعث شد که اهالی کرانه غربی و مناطق مختلف سرزمینهای اشغالی فلسطین بسرعت به اسلام روی بیاورند. لازم بذکر است که شهر قدس با توجه به ویژگیهایی که دارد و فعالیتی که اسرائیل و غرب در آن کرده اند از سایر شهرهای فلسطین، غمزه تر است، اضافه بر اینکه جمعیت های این شهر را مسیحیان و یهودیان و مسلمانان تشکیل می دهند و طبیعی است که فرهنگ یهودیان و مسیحیان از نظری بنیادین و تأثیر پذیری از غرب باعث می شود که این گرایشات در این شهر بیش از سایر مناطق بچشم بخورد ولی مسلمانان با اوج گیری مبارزات لبنان طبعاً کم کم رو به اسلام آوردند و حرکت های اسلامی هم در شهر بیت المقدس همان با سایر مناطق اوج گرفت.

ادامه دارد

- ۱- فلسطین منطقه ای است که از شمال به لبنان و از جنوب به شبه جزیره سینا و از مشرق به رود اردن و سوریه و از مغرب به دریای مدیترانه محدود میباشد، مساحت این منطقه ۲۷۰۲۴ کیلومتر مربع است که حدود هفتصد کیلومتر آنرا دریاچه «طریبه» و «حوله» و نیز قسمتی از «بحرالمیت» تشکیل می دهد.
- ۲- پس از ظهور اسلام، نخستین برخورد میان مسلمانان و رومیان در جنوب بحرالمیت روی داد (۶۳۳ میلادی و ۱۲ هجری) در دوران خلافت ابوبکر، سپاهیان مسلمان عرب، رومیان را شکست داده و جنوب فلسطین را آزاد نمودند و سپس دمشق را تصرف کرده و خلیفه دوم (عمر) به یهودیان ساکن فلسطین از لحاظ جان و مال و معابد آزادی داد و فلسطین تا زمان حکومت بنی عباس تابع عراق بود و در دوران خلافت فاطمیون جزه کشور مصر گردید و پس از آنکه دامت حکومت سلجوقیان به آسیای صغیر رسید و سوریه را فتح کردند که بین آنها و فاطمیون جنگهایی بر سر فلسطین روی داد و سرانجام خشیون اروپا آنها را تصرف نمودند.
- ۳- جمعیت فلسطین در اواخر دوران سرپرشی انگلستان و قبل از تقسیم بالغ بر /۱۹۱۷۰۰۰ نفر بوده که حدود /۱۳۰۰۰۰ نفر عرب و بقیه یهودی بوده اند و پس از تقسیم فلسطین بملت ورود مداوم یهودیان از نقاط مختلف جهان جمعیت این ناحیه پیوسته افزایش یافته و بدینال جنگهای سال ۱۹۴۸ میلادی عده کثیری از اعراب ناگزیر شدند خانه و زندگی خود را ترکا نموده و به سایر بلاد عربی، بیرونی و ترکیب فوج در سال ۱۹۶۶ بدینصورت درآمد که یهودی /۲۱۰۵۰۰۰ نفر، مسلمان /۱۸۷۰۰۰ نفر، عرب مسیحی /۵۳۰۰۰ نفر و سایر ادیان /۲۸۱۰۰ نفر.

بقیه از فاجعه دگرگونی ارزشها!!

امامت از دست می دهند و حریم قدساتها ضربه پذیری می گردد.

از سوی دیگر باره ای مجلات بنام جوانان همان حرفهای مبتذل عصر طاغوت را مطرح کرده و ازدواج هنریشه ها را زیست بخش این مجلات می سازند! و عملاً فرهنگ ابتدال را ترویج می نمایند. دیوان شعری در جمهوری اسلامی تجدید چاپ می شود که طی یک قصیده طولانی به صورت طنز در بیان فضیلت تریاک و افور، همه معجزات انبیاء و کرامات اولیاء را نتیجه نشه دود تریاک قلمداد می کند و این کتاب زیرنگاه و جلوجشم نهاد ناظر بر مطبوعات منتشر می گردد!! و کسی نمی گوید این پایه سرائی ها که مقدسات و ارزش های معنوی تاریخ بشریت را هتک می کند چه مقبومی دارد؟! و موارد از این قبیل بسیار است و تنها کافی است که به انتشارات و مطبوعات روزنظری بیفکنیم و ببینیم در جو انقلابی ما چه

می گذرد و ما خفته ایم!

شما اگر نتوانیم از مقدسات و بنیویات خودمان حمایت کنیم چه کسی باید اینکار را بکند. ما نباید فکر کنیم هر آنچه در جمهوری اسلامی می گذرد منبر تأیید خورده است بلکه باید همه چشم و گوش باشیم و خود را قسول دفاع از ارزشها ببینیم. عمل امام در هر موردی برای ما الگوست. وقتی حضرت امام مطلع شدند در یک مصاحبه رادیویی به سهوا به عمد به مقدسات اهانتی شده، طی نامه ای شدید اللحن مسئولان صدا و سیما را مخاطب ساخته که دست اندرکاران را تسلیم محکمه عدالت نمایند، تا تعزیر و مجازات شوند و تأکید می فرمایند که اگر اینگونه مسائل پیش آید مسئولیت آن گریبان مسئولان مافوق را خواهد گرفت.

حساسیت حضرت امام در مسائل اسلامی اعم از اعتقادی، اخلاقی، حقوقی، قضائی و غیره چنین است. تأخیر یک لحظه را روا نمی دانند و تحمل چیز خلافی را نمی کنند. این خصلت باید برای مسئولان الگو باشد. واکنش نشان دهند ننشینند کار

از کار بگذرد. در برابر مطبوعات، فیلم ها، مسائل اخلاقی، حقوقی، قضائی و غیره ... ننشینند تا فریاد امام بلند شود، آنگاه تازه متوجه قضایا شوند! خط امام و راه اسلام و انقلاب مشخص است و این مائیم و هشجاری و مسئولیت الهی مان. باید بیدار و حساس و گوش به زنگ حوادث بود و نبش انقلاب و امت چشم به راه را در دست داشت و در حد انتظار خدا و رسول و شایسته مقام رهبری و امت فداکار و ظروف و شرایط عمل کرد تا مردم باتمام وجود همراه ما باشند. یک لحظه غفلت در این لحظات صدها سال راه را دور خواهد کرد.

ادامه دارد

- ۱- کتاب «گرگیاس» قلم افلاطون ص ۱۱۷.
- ۲- اعراف / آیه ۱۶۹.
- ۳- ویل دورانت، تاریخ فلسفه، ج ۲، ص ۳۹۱.
- ۴- آل عمران / آیه ۱۴۴.
- ۵- «ماذا خسرالعالم بحطاط المسلمین» ص ۱۲۹.
- ۶- از مقاله «رژه گاروهی» در هفتمین کنفرانس اندیشه اسلامی.
- ۷- خطبه ۱۰۹ تیح البلاغه.